اقصر الطرق استیفاء حق مالک در تعاقب ایدی و مسأله جنایت عبد

شاگرد۶: در اینجا قرار ضمان با استقرار ضمان فرق نمی‌کند. ما بعدنبال استقرار هستیم که استقرار هم بر او نیست.

استاد: استقرار بر این شخص نیست. قرار هست یا نیست؟

شاگرد۶: اینکه قرار هست، منافاتی ندارد. ما بعدنبال استقرار ضمان هستیم که وقتی استاد می‌گوییم... .

استاد: شما می‌فرمایید در بحث ما مهم این است که مستقر را پیدا کنیم. و الا قرار، یک مرتبه‌ی بین راه است. ببینید؛ درجایی‌که گفتم قرار ضمان نقد است و شارع اقصر الطرق را می‌رود، این نکته‌ای بسیار مهم است؛ در تعاقب ایدی بسیاری از واسطه‌هایی که حتی مقصر هستند، فرار کرده‌اند و رفته‌اند؛ دسترسی به آنها نیست؛ اینها را باید حل کنیم. یعنی شما مالک را شرعا سراغ "من تلف المال عنده" می‌فرستید. بعد هم می‌گویید خودت می‌دانی، برو به او مراجعه کن؛ او که نیست و پولی را جاهلاً و طبق ضوابط سوق مسلمین داده است، الآن سراغ چه کسی برود؟! فرار کرده و رفته! خودش که می‌دانست دزد است و الآن هم فرار کرده و رفته است.

شاگرد۶: در این جهت یک قصوری دارد....

استاد: که به سوق مسلمین اتکاء کرده؟! به قاعده ید اتکاء کرده؟! چه قصوری دارد؟! شما خودتان می‌گویید «لم یقم للمسلمین سوق»، خودتان ید را می‌گویید «ید المسلم»، در بازار رفته‌ای. کسی که به بازار می‌رود و چیزی را از سوق می‌خرد، چه کسی احتمال می‌دهد که تقصیرٌ امّا کرده است؟!

شاگرد۶: به هر حال وقتی فقه با آن مقابله می‌کند، نمی‌گوید تو ضمان هستی به این معنا که استقرار ضمان بر تو هست، بلکه می‌گوید خودت می‌دانی و این طبیعی است و پیش می‌آید که خیلی از اشخاص واقعاً از مالک می‌خرند و تلف می‌شود، کما اینکه در ملک اولی هم بود هم تلف شده بود. این طبیعی است و این برعهده ما نیست.

استاد: یعنی شارع در قرار الضمان به او چه می‌گوید؟ می‌گوید اینکه مالک از دست تو می‌گیرد و می‌رود، به‌منزله این است که رعد و برق به مال خودت زده بود. یا اگر بدلش را از تو می‌گیرد، به‌منزله این است که پول در خیابان گم شده است. وقتی گم شد، از مال تو رفته است.

من عرض کردم که قرار ضمان و تحلیل آن را خیلی مهم بدانیم. ما از این قرار ضمان می‌خواهیم سراغ استیفاء یک حق به اقرب طرق برویم. هم ایسر هم اقرب و هم آمَن؛ امن‌ترین طرق را برویم. این

تحلیل ما است؛ ببینید سر میرسد ای نه. اگر منافات قرار ضمان در فقه این است - ای به یک معنا حکمتش این است - که میخواهیم از اقصر الطرق استیفاء حق کنیم، وقتی یک عبد جنایت میکند شارع برای اینکه جنایت او را به اقرب طرقی -که در قرار ضمان به آن دست یافتیم- استیفاء کند، چکار میکند؟ این هم سؤال من است.

شاگرد۶: سراغ موالی عبد میرود.

استاد: تعلق جنایت عبد به چیست؟ مولا باید در جیبش دست کند و بدهد؟ نکته همین است. اتفاقاً جنایت عبد به رقبه است. یعنی میگویید این عبد که جنایت کرد، مولا هم که همراه او نبود، شارع فرموده اولین محل منافاس استیفاء نزدیک و خوب، خودش است؛ مال است. لذا جنایت عبد به رقبه عبد تعلق میگیرد. از اینجا میخواهم نتایج بعدی را بگیرم. اینها را ببینیم و ببینیم این تنقیح منافاها سر میرسد ای نه. آن مطلب کلی را عرض کردم ان شاء الله بین هفته یک تأملی داشته باشید و شواهدی له و علیه آن پیدا کنید.

شاگرد۳: آن موارد مختلف تقصیر و ایجاد و حتی آن مثال رعد و برق، طرق استیفاء حق میشود؟

استاد: پارسال هم یک نشانهگیری اینطوری کرده بودم و تأکید کردم که قرار ضمان مهم است و به گمانم این تعلق جنایت عبد به رقبه در تحلیل، یکی از صغریات بحث قرار الضمان است.

شاگرد۹: خب انتساب هم همین جا است.

استاد: انتساب در اینجا دیگر به عنوان محور اصلی کمرنگ میشود.

شاگرد۹: به خاطر همین چیزی که در استیفاء حق فرمودید و اهمیت اقصر الطرق در استیفای حق.

استاد: استیفای حق و با این توضیحاتی که گفته شد، البته اگر تحلیل درستی باشد، آن بحث استنادِ ضعیف میشود، هرچند که باز هم کارآیی خودش را دارد. یعنی خود آن مطالب بعدی میتواند مؤید این باشد که استناد هم به عنوان یک عنصر جدای از ایجاد و تقصیر میتواند کار کند، چون ما بالاتر از آن رفتیم، اما نه به عنوان محور و تمام کار.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #2
ایجاد شده 21 اوت 2025 14:27:30 توسط ... .
به روزرسانی شده 21 اوت 2025 14:36:43 توسط ... .